

زبان های ساختگی

علی اکبر عبدالرشیدی

با یادداشتی از دکتر محمدرضا باطنی

سرشناسه: عبدالرشیدی، علی اکبر، ۱۳۲۸

عنوان قراردادی: زبان های ساختگی.

عنوان و نام پدیدآور: زبان های ساختگی/ علی اکبر عبدالرشیدی؛ با مقدمه‌ای از محمدرضا باطنی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات مسافر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص:؛ جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۳۸-۲-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: زبان‌های ساختگی

شناسه افزوده: باطنی، محمدرضا، ۱۳۱۳-، مقدمه‌نویس.

رده‌بندی کتبه: ۱۲۹۱/ع۲۲/PM۸۲۰۷

رده‌بندی دیویی: ۴۹۹/۹۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۱۵۵۲



انتشارات و مسافر

زبان‌های ساختگی/ علی اکبر عبدالرشیدی

انتشارات مسافر

مدیر اجرایی: حامد نیری محسن

مدیر هنری و طراح جلد: محسن رزاقی

ویراستار: زهراسادات مرعشی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / ۱۰۴ صفحه / رقمی / چاپ اول: ۱۳۹۲

تلفن: ۰۹۳۵۲۱۴۰۵۷۵

پست الکترونیک: mosferpub@gmail.com

هرگونه استفاده از مطالب، طرح جلد، و صفحه‌آرایی کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

فهرست

۹	یادداشت دکتر محمدرضا باطنی
۱۱	مقدمه
۱۵	روش کار
۲۱	فصل اول: زبان ساختگی چیست؟
۲۱	منظور از زبان در این پژوهش
۲۲	کاربرد زبان ساختگی
۲۵	تعریف زبان ساختگی
۲۶	مواد اولیه پانزده زبان ساختگی کدام است؟
۲۶	انواع زبان‌های ساختگی
۲۸	تاریخ زبان‌های ساختگی
۲۹	خطوط ساختگی
۳۲	جهانی بودن زبان‌های ساختگی
۳۷	فصل دوم: تصویر کلی زبان‌های ساختگی
۳۷	نحوه ساخت
۴۲	حمامی - تاکستان
۴۳	حمامی - تهران
۴۳	حمامی - قریه دهمدء (شاهرود)
۴۴	حمامی - قم
۴۵	سفیدگر - رامسر
۴۵	مسگر و سفیدگر - فیروزآباد (شیراز)
۴۶	مسگر - کازرون
۴۶	نقاش - تهران
۴۷	نقاش - اصفهان

۴۷	بتا - کازرون
۴۷	بتا - اردکان
۴۸	بتا - آباده
۴۸	بتا - یزد
۴۸	نانوا - شیراز
۴۸	آشپز - همدان
۴۸	آشپز - ایزه
۴۸	حلاج - آباده
۴۹	قصاب - سلاخ - تهران

۵۱ فصل سوم: تغییرات آوایی

۵۹	فصل چهارم: جابه‌جایی واج‌ها
۶۵	دامنه تاربرد زبان‌های ساختگی
۷۴	حساب ساق

۸۷ فصل پنجم: اضافه شدن واج‌ها

۸۷	زبان‌های ساختگی نوع سوم
۸۸	زبان زرگری
۹۱	زبان مرغی
۹۱	زبان لامی
۹۲	زبان میمی
۹۳	زبان سیدی
۹۴	زبان گوشتی
۹۵	زبان انگوری
۹۶	بی‌نام
۹۷	بی‌نام

۹۹	جغرافیای پژوهش
۱۰۱	الفبای آوایی پژوهش
۱۰۳	کتابنامه

من این دو حرف نوشتم چنانکه غیر ندانست
تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی
حافظ

اگر از بحث‌های فنی زبان‌شناسی بگذریم، می‌توان روی این نکته توافق کرد که کار زبان ایجاد ارتباط بین کسانی است که با آن زبان آشنایی دارند. وقتی کسی سخنی می‌گوید یا می‌نویسد معمولاً می‌خواهد همه اهل زبان حرف او را بفهمند و مقصود او را ادراک کنند. اما همیشه چنین نیست. هر جامعه‌ای را که مورد بررسی قرار دهید خواهید دید در آن گروه‌بندی‌هایی وجود دارد؛ مثل گروه‌های صنفی، محفل‌های خصوصی، تشکل‌های خانوادگی و مانند آن.

گاه اتفاق می‌افتد که این گروه‌ها نمی‌خواهند غریبه‌ها یا غیرخودی‌ها از چندوچون کار آنها سر در بیاورند. برای این منظور، یکی از ابزارهایی که به کار می‌گیرند دست‌کاری کردن زبان است. آنها در واژگان، نحو یا دستگاه صوتی زبان رایج تغییراتی می‌دهند تا آن را برای غیرخودی‌ها نامفهوم کنند. پژوهشی که آقای عبدالرشیدی انجام داده‌اند، نشان دهنده برخی از این دست‌کاری‌های زبانی است. امید است کار ایشان انگیزه‌ای برای پژوهش‌های بعدی باشد.

محمدرضا باطنی

۹۰/۷/۱۸

مقدمه

کتابی که در دست شماست اول بار در خرداد ماه ۱۳۵۷ به عنوان رساله پایانی دوره کارشناسی ارشد نویسنده در رشته زبان شناسی همگانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نوشته و مورد قبول دکتر محمد رضا باطنی استاد راهنمای طرح قرار گرفت. پس از پایان تحقیق و نگارش این رساله امواج انقلاب اسلامی در ایران توفنده شد و دانشگاه‌ها رو به تعطیلی گذاشتند و حتی بعد از پیروزی انقلاب در ایران مجالی برای بازنگری در متن این رساله یا اندیشیدن به جاب آن به صورت کتابی مستقل دست نداد. در حقیقت من فکر نمی‌کردم این کتاب در آن فضا مورد استقبال کسی قرار گیرد یا خواننده‌ای داشته باشد. پس از مدتی، به دلیل سفر و مأموریت کاری در گذر زمان و رویدادها این رساله به فراموشی سپرده شد.

در تمام این مدت کسی هم سراغی از این تحقیق نگرفت الا چهار نفر که نهایتاً به من ثابت کردند که این موضوع و این کتاب نه تنها برای محققان زبان شناسی و جامعه‌شناسی و دانشجویان مرتبط با آن، که برای عموم علاقه‌مندان به زبان و جامعه‌شناسی هم قابل اعتنا است.

اول کسی که سراغ این تحقیق را از من گرفت دکتر محمود احمدی افزادی بود که ضمن مراجعه به کتابخانه دانشگاه تهران متوجه حضور چنین رساله‌ای شده

بود و در مراجعه به من خواستار توضیحاتی در باب این عنوان شد. دومین نفر ناشناسی بود که از طریق اینترنت برای من پیامی به زبان انگلیسی فرستاد. خود را «خوی خوی» معرفی کرد. توضیح داده بود که در دانشگاهی مشغول تحصیل است و در حال نوشتن تحقیقی در باب موضوعی شبیه به موضوع زبان‌های ساختگی است. از یکی از همکلاسان و دوستانش که قاعدتاً باید ایرانی باشد از وجود رساله من با این عنوان خبردار شده بود. می‌خواست به او در مورد موضوع «زبان‌های ساختگی» توضیحاتی بدهم.

تحقیقات من نشان می‌داد که «خوی خوی» ها قومی از اقوام ساکن در افریقای جنوبی هستند. گمان من این است که این آقا و شاید خانم هرکه بوده احتمالاً اهل افریقای جنوبی بوده است. اما این روزها استفاده از نام مستعار در فضای مجازی بسیار رایج است. شاید هم ایرانی یا اهل کشور دیگری بوده و به هر دلیل نمی‌خواست خودش را معرفی کند. ایشان هرکه بود و موضوع هرچه بود، چندی بعد از اینکه توضیحاتی در باب موضوع رساله با پیام اینترنتی برای این شخص فرستادم، خبر داد که مطلبی در این زمینه با اشاره به رساله من نوشته و انتشار خواهد داد. هرگز آن مقاله یا آن مطلب هم به دستم نرسید.

نفر سوم خانم مرضیه برومند، کارگردان سینما و تلویزیون، بود که روزی در تماسی تلفنی خواستار ملاقاتی شد. ملاقات دست داد و ایشان توضیح داد که مشغول تهیه یک مجموعه تلویزیونی به نام «همه فرزندان من» است. در این سریال، شخصیت اصلی (خانم مهرانه مهین ترابی) استاد زبان‌شناسی دانشگاه بود که در تعاملاتی که در طول سریال داشت باید به موضوع زبان‌شناسی اشاره می‌کرد. این موارد، از نظر خانم برومند، باید هم جذاب و شنیدنی می‌بود و هم برای بیننده عام طرح می‌شد. ایشان موضوع رساله من را انتخاب کرده بودند و مایل بودند با محققان و نویسندگان برنامه جلساتی داشته باشیم و موضوع را بررسی و تشریح کنیم.

اما نفر چهارم آقای حامد نیری عدل بود. ایشان را از زمان نوشتن کتاب گفتنی‌های مناسم. ایشان در یکی از تماس‌هایمان اصرار کرد که این رساله به صورت کتاب چاپ شود. نسخه‌ای از رساله را در اختیار ایشان قرار دادم. آنچه باقی می‌ماند مقدمه جدید کتاب بود. مقدمه‌ای که برای رساله نوشته بودم مقدمه یک دانشجوی بیست‌وچند ساله بود که اولین اثر تحقیقی خود را ارائه می‌داد و طبعاً شور و حال متفاوتی با مقدمه یک کتاب داشت. در این میان، فکری به ذهن من رسید: چه خوب است که با استاد راهنمایم تماس بگیرم و از ایشان بخواهم مقدمه‌ای بر کتاب بنویسد. آقای نیری کمک کرد و نشانی اینترنتی آقای دکتر محمدرضا باطنی را پیدا کرد و در اختیار من قرار داد.

نمی‌دانستم دکتر باطنی پس از ۳۲ سال هنوز مرا و موضوع رساله‌ام را به یاد دارد یا نه. نمی‌دانستم ایشان علاقه‌ای به چنین درخواستی نشان خواهد داد یا نه. به هر روی، پیامی برای ایشان فرستادم. خود را معرفی کردم و درخواستم را مطرح نمودم. دکتر باطنی با نوشتاری آمیخته به مهربانی پاسخ داد. مرا به یاد آورده بود. اطلاع داد که در آبان‌ماه سال ۱۳۹۰ در تهران خواهد بود. روز ورود و شماره تماسش را در تهران هم اعلام کرد و افزود که تصمیم را در تهران و در جریان دیدارمان خواهد گرفت. خیلی خوشحال شدم. منتظر ورود ایشان به ایران ماندم. دکتر باطنی بدون شک از بهترین استادان زبان‌شناسی ایران است. او بعد از طرح نظریه گشتاری زبان از سوی نوام چامسکی، ریاضیدان، زبان‌شناس، روشنفکر، فعال ضد جنگ، و روزنامه‌نگار مشهور و ناراضی امریکایی، در دهه ۱۹۶۰ پس از بازگشتش به ایران کار تطبیق این نظریه را با زبان فارسی و طرح محورهای قابل بررسی زبان فارسی در متن این نظریه آغاز کرد.

خلاصه در ساعت مقرر به دیدار دکتر باطنی رفتم. کمی شکسته‌تر و سالخورده‌تر شده بود. اما همچنان مهربان و نکته‌سنج بود. روح آموزگاری خود را از دست نداده بود. احساس کردم هنوز من شاگردم و ایشان استاد. فی‌الواقع چنین نیز بود و چنین

نیز خواهد بود.

دکتر باطنی مرا و موضوع رساله مرا به خوبی در یاد داشت. اعلام کرد که تا به حال برای هیچ کتابی به جز کتاب‌های خود مقدمه ننوشته است. اما به خاطر محبتی که نسبت به من ابراز داشت با قلم خود و خطی خوش مطلبی نوشت و اهدا کرد. مطلب را یکی دو روز بعد در دیدار مجددی دریافت کردم. همان‌طور که انتظار داشتم در آن کلمه‌ای در مورد شخص من ننوشته بود، بلکه در مورد کتاب و عنوان کتاب مطلبی علمی نگاشته بود.

خلاصه، کتاب در قیافه کنونی شکل گرفت و به همین صورت تقدیم می‌گردد. به گمانم موضوع «زبان‌های ساختگی» در حوزه جامعه‌شناسی زبان موضوع مهمی است. امید اینکه خواندن آن برای دانشجویان زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی و خوانندگان عام مفید باشد.

علی‌اکبر عبدالرشیدی

زمستان ۱۳۹۱ تهران